

تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای (گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه)

ناصر اسدی*
(۱۳۲-۱۰۷)

چکیده

سیاست خارجی هر کشور رویکردها و ایستارهای آن را نسبت به نظام و روابط بین‌الملل نمایان می‌سازد. در جمهوری اسلامی ایران، نقش رهبری در سیاست خارجی، ویژه و برتر است. در این مقاله برآنیم تا دیدگاه ایشان به سیاست خارجی را در چارچوب گفتمان «تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه» به بازخوانی، رویکردی که تاکنون چندان مورد بررسی قرار نگرفته بپردازیم. در این مبحث، چنین پرسشی به میان می‌آید که گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای علیه‌السلام چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ (سؤال) از دید نگارنده، این موضوع در چارچوب گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه - که از سوی خود ایشان نیز، بیان شده - درک‌شدنی است. (فرضیه) با تحلیل گفتمانی بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌توان نشان داد که این گفتمان، دنباله رویکرد امام خمینی علیه‌السلام است و با محوریت تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه قرار دارد. (هدف) رهیافت نظری پژوهش، نظریه تحلیل انتقادی گفتمان در برداشتی است که ارنستو لاکلا، شنتال

*. دکترای علوم سیاسی دانشگاه تهران - nasser.assadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۸

موفه و نورمن فرکلان از آن به دست داده‌اند. (روش) استواری سیاست خارجی بر دو بنیاد سلبی و اثباتی، برخورداری از ماهیتی مستقلانه و ضد سلطه، و بهره‌مندی از گرایش ایدئولوژیک - استراتژیک از دستاوردهای این مقاله است. (یافته)

واژگان کلیدی

آیت‌الله خامنه‌ای، گفتمان، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی، تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه

مقدمه

دنیای کنونی جهان، ارتباطات گسترده میان واحدهای سیاسی است. در این هنگامه، دولت - ملت‌ها می‌کوشند تا با برقراری رابطه با دیگر نقاط اندیشه‌ها، ایستارها و منافع ملی خود را دریابی کنند. مجموعه این سامانه در چارچوب سیاست خارجی شناسایی می‌شود. سیاست خارجی دسته‌ای از نشانه‌های نظری و کنش‌های رفتاری است که رویکرد و رهیافت سامان سیاسی را به دنیای بیرون از خود هویدا می‌سازد. سیاست خارجی دیدگاه هر دولت به ارتباط با دیگر دولت‌هاست که روابط خارجی را در پیوستار خود، به میان می‌آورد.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - کشوری که انقلابی تمام‌عیار و جنگی تحمیلی و سنگین را از سر گذرانده است - در چارچوبی انقلابی و اصلاح‌گرایانه، خوانش پذیر است. جمهوری اسلامی برجسته‌ترین منتقد نظام سلطه در پهنه بین‌المللی است، چراکه برای خود نقشی الهام‌بخش و برانگیزاننده در دنیای کنونی قایل است. این امر، به‌ویژه، در ارتباط با دنیای اسلام و کشورهای آزادی‌خواه، موضوعیت می‌یابد. یافتن چنین دیدگاهی بیش از هر عاملی، متأثر از نقش رهبری در این واحد سیاسی است.

رهبری در جمهوری اسلامی دارای جنبه‌های دینی، قانونی و کاریزماتیک است. داشتن چنین جایگاهی، نقشی فرادستی و بی‌بدیل به دارنده این مقام در سودهی به

فرایندها و سیاست‌های کشور داده است. رهبری، به عنوان فصل الخطاب، سیاست‌ها را تعیین و ضامن بقای ایدئولوژی و آرمان انقلاب اسلامی است. گفتمان سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به گونه‌ای عام، و گفتمان سیاست خارجی ایشان، به طور خاص، در پیوست با اندیشه امام خمینی علیه السلام بازخوانی می‌شود. با توجه به جایگاه مهم رهبری در قانون اساسی (حقوقی) و ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی (حقیقی) آیت‌الله خامنه‌ای از نقش اثرگذار و بی‌بدیلی در تعریف اصول و اهداف و تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی کشور، برخوردار است. جستار پیش‌رو در پی بازنمایی و درک سیاست خارجی ایران در دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای است.

۱. چارچوب نظری؛ نظریه تحلیل گفتمان^۱

روش‌ها، جعبه ابزار پژوهشگران‌اند. یافتن یک روش پژوهشی شایسته به مثابه تجهیز نوشتار به ابزارهای جهت‌یابی است که به محک تجربه آزموده شده‌اند. نوشتار حاضر نظریه تحلیل گفتمان برگرفته از خوانش ارنستو لاکلا^۲ و شنتال موفه^۳ - نامبردار به مکتب اسکس^۴ - را کارآمدترین ابزار روش‌شناختی در راستای اثبات فرضیه‌اش یافته است. برای استواری بیشتر این روش‌شناسی، بهره‌گیری از خوانش گفتمانی نورمن فرکلاف^۵ سودمند می‌نماید. بنابراین، برخی از مهم‌ترین ارکان و مؤلفه‌های نظریه تحلیل گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موفه که با خوانش فرکلافی تقویت شده به قرار زیر است:

أ. گفتمان: از دید لاکلا و موفه، گفتمان یک تمامیت ساخت‌مند شده می‌باشد که بر ایند کناکنش مفصل‌وار (نشانه‌ها) است. (Laclau & Mouffe, 2001:105) مفهوم گفتمان - که

-
1. Discourse analysis.
 2. Ernesto Laclau.
 3. Chantal Mouffe.
 4. Essex.
 5. Norman Fairclough.
 6. Discourse.

بر گرفته از فوکو است. در تعریف لاکلا به عنوان کلیتی ساختاری از تفاوت‌ها تعریف شده است: «هنگامی که فردی در نتیجه کناکنش مفصل‌واری، توانایی پیکربندی نظام موقعیت‌های کاملاً متفاوت را به دست آورد، این نظام، موقعیت‌های متفاوت "گفتمان" نامیده می‌شود.» (Laclau & Mouffe, 2001: 113)

ب. **نشانه (دال) و مدلول:** نشانه و مدلول دو مورد از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌ها در نظریه گفتمان می‌باشند. نشانه‌ها اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی‌اند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص بر معانی ویژه دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برای مان معنا می‌شود. (کسرایی و شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۳)

ج. **مفصل‌بندی:** لاکلا و موفه در تعریف مفصل‌بندی می‌نویسند: «ما هر کنشی را که میان عناصر گوناگون و پراکنده ارتباط برقرار می‌نماید، آن گونه که هویت آنها در کناکنش مفصل‌وارشان تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم.» (Laclau & Mouffe, 2001: 105) مفصل‌بندی نامی است که آنها بر کنشی می‌گذارند که به ساختار گفتمان، گونگی شکل و هویت می‌بخشد و عناصر درونی آن را در روابطشان فهم‌پذیر می‌نماید. (Parameshwar, 2012: 194)

د. **خصومت:** مفهوم ضدیت یا خصومت برای تبیین نسبت میان کیستی و دیگری طرح شده است. خصومت‌ها نه ارتباطی مفعولی و منفعلانه که روابطی پویا می‌باشند که محدودیت‌های همه مفعول‌ها را، نمایان می‌سازند. (Laclau & Mouffe, 2001: 14) ضدیت امری است که از راه آن، گروه‌ها و جوامع و کارگزاران مرزهای سیاسی خود را باز می‌شناسند و از راه فرایند دگرسازی هویت خود را می‌سازند. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۸۵؛ Povinelli, 2012: 375; Marchart, 2007: 146) موفه میان مفاهیم خصومت و کشمکش تمایز قایل

1. Signifier&Signified.

2. Articulation.

3. Antagonism.

می‌شود. به گفته‌ی وی، «خصوصیت ستیز میان دشمنان است، در حالی که کشمکش ستیز میان رقباست» (Mouffe, 2000: 102-103).

ه. **هژمونی:** از دید لاکلا و موفه، کانونی‌ترین رده‌ی تحلیل سیاسی، به گونه‌ی عام، و تحلیل گفتمان، به طور خاص، مفهوم هژمونی است. (Laclau & Mouffe, 2001: 10) گرامشی برجسته‌ترین نظریه‌پرداز کلاسیک هژمونی است. در خوانش فرکلاف، هژمونی از دید گرامشی عبارت از رهبری‌ای به مثابه یک چیرگی سراسری و فراگیر است که همه‌ی جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ایدئولوژیک را در بر می‌گیرد. (Fairclough, 2002: 92) هژمونی، در این برداشت، به معنای رضایت‌مندی سازمان‌یافته‌ای است که به وسیله‌ی جامعه‌ی مدنی و در برابر دولت و دستگاه قدرت اجبار آور آن سامان یافته است. (Grevan, 2002: 103 ; Fontana, 2008: 84)

و. **ساختارشکنی:** مفهومی که به گونه‌ای هم‌پا در کنار مفهوم هژمونی قرار دارد. ساختارشکنی است. در واقع، هژمونی و ساختارشکنی دو روی یک سکه‌اند. هژمونی زمینه‌ساز نزدیک شدن دالی به مدلولی خاص و ثبات نسبی معنای یک نشانه است، اما ساختارشکنی، با انتساب مدلول و معنایی دیگرسان به آن نشانه، مدلولی را که گفتمان هم‌آورد به آن دال چسبانده بود، دور می‌کند و آن دال را باز تعریف می‌نماید و، به این ترتیب، هژمونی آن گفتمان را می‌شکند. (بخشایش اردستانی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۵)

ز. **قدرت:** لاکلا و موفه، رسالت عمده و مهم گفتمان را مفهوم‌پردازی قدرت می‌دانند. (لاکلا، ۱۳۷۷: ۴۱) در باب مفهوم قدرت نیز، دیدگاه لاکلا و موفه بیشتر برگرفته از فوکو و به ویژه فوکوی دوم یا تبارشناس است. آنچه برای فوکوی تبارشناس، اساسی است پیوند و روابط میان قدرت و دانش می‌باشد؛ چگونگی معنا دادن قدرت به همه‌ی جامعه و حتی نوع برداشت از حقیقت نیز، نتیجه‌ی چگونگی اعمال آن است. این قدرت است که

-
1. Hegemony.
 2. Deconstruction.
 3. Power.

فرد و جامعه را معنا کرده، به آنها هویت می‌دهد و قواعد اجتماعی و گفتمان‌های سیاسی را برپا می‌کند. در واقع، تبارشناسی دل‌مشغول مرکزیت قدرت و هژمونی در سامان‌یابی گفتمان‌ها، هویت‌ها و نهادهاست و می‌کوشد خصلت قدرت‌محور گفتمان‌های چیره‌را گسترش دهد. از دید فوکو، قدرت را نباید به نهادهای سیاسی محدود کرد، قدرت در همهٔ جامعه، جاری است و نقشی مستقیماً مولد را ایفا می‌کند. (دریفوس، ۱۳۸۴: ۳۱۲) از دید وی، در گفتمان، قدرت و دانش به هم پیوند می‌خورند. (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۷)

چنان‌که نشان داده شد، آمیزش میان خوانش گفتمانی لاکلا و موفه با اندیشهٔ گفتمانی فرکلاف، ساختاری وزین در راستای تفسیر و بازنمایی گفتمان‌های سیاسی به دست می‌دهد. کانون گفتار لاکلا و موفه را ساختار قدرت و هژمونی می‌سازد و فرکلاف روابط قدرت پنهان در پس‌متون را، مدنظر قرار داده است. با درآمیختن این موارد، می‌توان گفتمان پنهان و، در پیوستار آن، قدرت پنهان در پس هر گفتمان را نمایش داد.

نوشتار پیش‌رو، با درآمیختن این موارد، به تحلیل گفتمان سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته است. در این باره، نخست نشانه‌شناسی این گفتمان مطرح می‌شود، سامانهٔ مفصل‌بندی شناسانده می‌شود و، پس از آن، با تحلیل این سامانه موازین آن به دست داده خواهد شد. در آنجا که ساختار قدرت و هژمونی موردنظر است، گفتار، بیشتر و امدار لاکلا و موفه می‌باشد و در تفسیر متون از روش فرکلافی بهره گرفته شده است.

۲. تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای (سیاست تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه)

در بازشناسی سیاست خارجی، نخبگان، به ویژه نخبگان حاکم، نقشی اساسی دارند. آنها با در اختیار داشتن سکان زمامداری جامعه، توان تعیین گفتمان یا حتی فراگفتمان چیره را دارند. در سامانهٔ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مقام رهبری دارای نقشی این‌چنین است. رهبری در جمهوری اسلامی، به واسطهٔ در اختیار داشتن دو جنبهٔ برتری‌ساز

سیاسی و مذهبی، از هر سه حوزه مشروعیت سنتی، قانونی و کارزماتیک بهره دارد، به گونه‌ای که وی را در سودهی به سیاست‌ها، توانا می‌سازد.

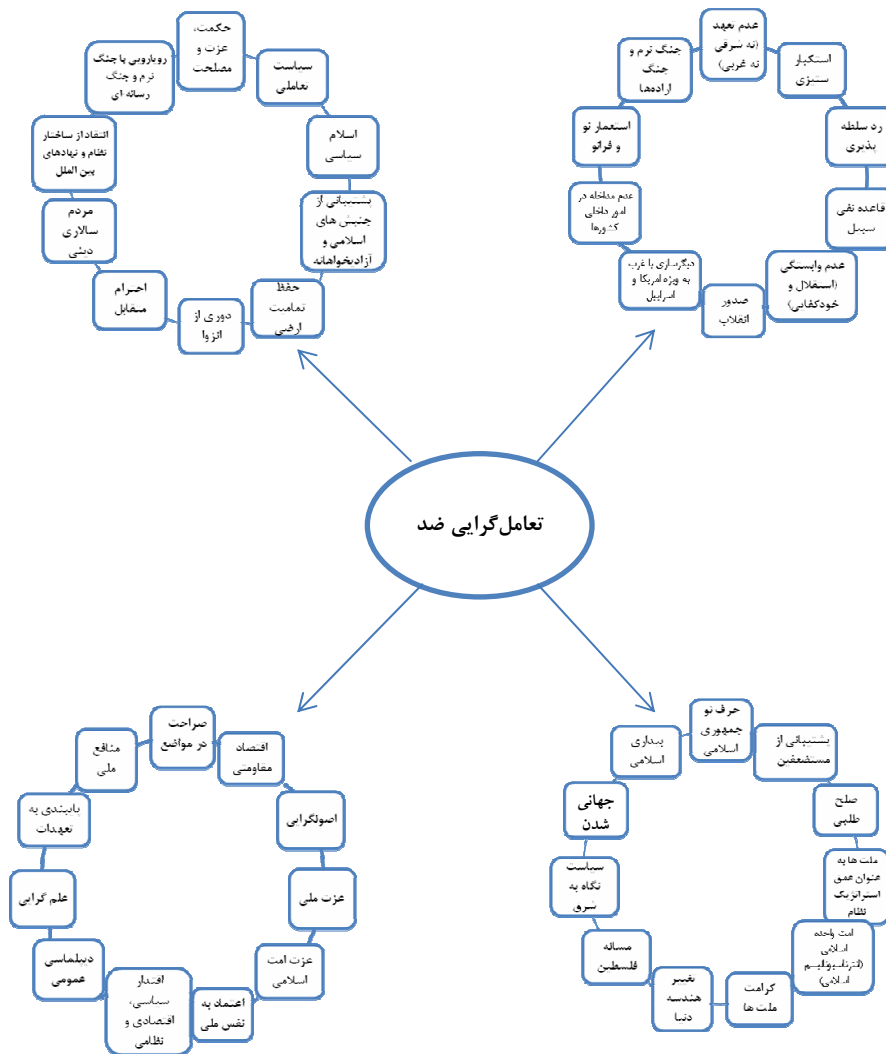
مقام رهبری محور قانون‌گذاری و راهبری پهنه‌های گوناگون زیست سیاسی - اجتماعی است که سیاست خارجی نیز در این شمار است (دهقانی آبادی، ۱۳۸۹: ۲۵۴-۲۶۱). البته، باید بر این نکته پای فشرده که گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، در دنباله گفتمان امام خمینی علیه السلام، تحت تأثیر سه عامل ویژگی‌های شخصی و الزامات درونی و تحولات ساختار نظام بین‌الملل، حضور فعالی از سیاست خارجی ایران را در صحنه بین‌الملل، به نمایش گذاشته است.

سخن گفتن از سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای گفتار از سیاست خارجی ایران پس از انقلاب است. معظم‌له در بیشتر رخداد‌های این دوران حضور داشته است. این موضوع به ویژه از خرداد سال ۱۳۶۸ در پی انتخاب به‌عنوان رهبری، نمایش بیشتری یافته است. (Murphy, 2008: 95؛ Majd, 2008: 59)

نوشتار پیش رو، نشانه مرکزی گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای را در نشانه «تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه» یافته که از سوی خود ایشان - در دیدار منوچهر متکی وزیر امور خارجه وقت و مسئولان وزارت خارجه با رهبر انقلاب در سخنرانی ۹ اسفند ۱۳۸۸ - تصریح شده است. آیت‌الله خامنه‌ای، در این دیدار، انقلاب اسلامی را پدیدآورنده منطق و سیاستی نوین در پهنه روابط بین‌المللی با عنوان سیاست تعاملی ضد نظام سلطه دانسته است. وی تأکید کرد که وظیفه سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران به‌کارگیری دیپلماسی کیفی، قوی و کارآمد برای پیشبرد این سیاست می‌باشد که لازمه آن نیز، ایستادگی منطقی بر اصول انقلاب و مبانی است. ایشان با اشاره به نبودن رویکرد تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه در جهان و استقبال دولت‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران از این منطق جدید، بیان فرموده است که سیاست ضد نظام سلطه دارای عقبه و پشتوانه‌های مستحکم راهبردی است که یکی از آنها پشتوانه عظیم مردمی انقلاب اسلامی است. از نگاه رهبر انقلاب، قدرت و اثرگذاری دیپلماسی بر قدرت

نظامی، از تبلیغات و پول، کمتر نیست و حتی در موارد متعددی، بیشتر است. بنابراین، باید برای اجرای سیاست ضد نظام سلطه از دیپلماسی قوی و کارآمدی که مبتنی بر منطق، عقل و روح اعتماد به نفس است، استفاده کرد. ایشان در این دیدار و دیدارهای مشابه، لازمه دیپلماسی قوی و کارآمد را در درجه اول اعتقاد کامل به مبانی شرعی و اصول و اندیشه‌های انقلاب اسلامی دانست و خاطر نشان کرد که در عرصه دیپلماسی باید با اعتماد به نفس ملی و بدون هیچ گونه رودربایستی در پافشاری بر اصول انقلابی و مبانی دینی، عمل کرد.

از دیگر نشانه‌های این گفتمان می‌توان از حفظ تمامیت ارضی، استقلال، صدور انقلاب، سیاست نگاه به شرق، انترناسیونالیسم اسلامی (امت واحده اسلامی)، برآوردن منافع ملی، عزت، حکمت و مصلحت، اصول‌گرایی، پشتیبانی از مستضعفان در برابر مستکبران و یاری‌رسانی به جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش، مسئله فلسطین، بیداری اسلامی، دگرسازی با غرب به ویژه آمریکا و اسرائیل، ترویج مردم‌سالاری دینی، احترام متقابل، انتقاد از ساختار نظام و نهادهای بین‌الملل، عدم مداخله جویی، عدم تعهد (نه شرقی نه غربی)، پایبندی به تعهدات، دیپلماسی عمومی، رویارویی با جنگ نرم و جنگ رسانه‌ای، اقتصاد مقاومتی، علم‌گرایی و ... نام برد، که با بررسی و واکاوی بیانات و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای، فراچنگ می‌آید و در راستای نشانه مرکزی آن، خوانش پذیر است. در تحلیل انتقادی گفتمان، این نشانه‌ها و انگاره‌ها برایندها و موضوعاتی مرتبط با نشانه مرکزی می‌باشند. نشانه مرکزی در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه به مثابه قلبی تپنده است که دیگر مفاهیم از آن تغذیه می‌شوند. آنچه در این مقاله می‌آید، در حقیقت، مبنا و کانونی است که در سایه آن، دیگر نشانه‌ها تفسیر پذیر و معنادار می‌شوند.



در چارچوب گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ضمن آنکه ماهیتی مستقلانه و ضد سلطه دارد، بر اساس اصل احترام متقابل به تنظیم مناسبات خارجی خود، اقدام می‌کند. این گفتمان در سیاست خارجی بر دو پایه اساسی استوار است: نخست، پس‌زدن و رذیلت‌گونه سلطه و چیرگی در پهنه بین‌المللی و شناسایی نظام سلطه به عنوان غیریت و، دوم، تعامل سازنده بر پایه احترام متقابل و

رعایت منافع ملی با کشورهای دیگر. آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی فرموده است:

- اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست... ما همچنان که نظام سلطه را در درون کشورمان با انقلاب به هم زدیم... با نظام ارباب-رعیتی در سطح جهان مخالفیم... اساس سیاست خارجی ما این است که... ما روابط ناشی و برآمده از نظام سلطه در سیاست بین‌المللی را رد می‌کنیم، قبول نداریم. خودمان هم در هویت و شخصیت جمهوری اسلامی مانع می‌شویم از اینکه وارد نظام سلطه شویم و اجازه دهیم که بر ما سلطه‌ای به وجود بیاید یا خود ما بخواهیم سلطه‌گری کنیم... در مقدمه قانون اساسی ما دفاع از مسلمانان و محرومان به‌صراحت ذکر شده است؛ ما دفاع از مسلمان‌ها و دفاع از ملت مظلوم را جزو سیاست‌های اصولی خودمان می‌دانیم و از آن عدول نمی‌کنیم... ما طرفدار اسلام و طرفدار مسلمان‌ها و طرفدار بیداری اسلامی هستیم و با تغذیه قدرت‌های استثمارگر از منابع غنی ملت‌های مظلوم مخالفیم، با استثمار و با استثمار مخالفیم. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۳/۵/۲۵)

- ما... شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده سلطه‌گر-سلطه‌پذیر می‌دانیم. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۶/۵/۳۰ و ۱۳۸۹/۴/۲)

- ایران ابتدائاً متعرض نمی‌شود، چون ما سلطه‌طلبی را هم مثل سلطه‌پذیری زشت می‌دانیم؛ نه سلطه می‌پذیریم و نه خودمان طالب سلطه‌ایم، اما هر کس به این ملت تعرضی کند و منافع او را تهدید نماید، مورد عکس‌العمل تند و پشیمان‌کننده این ملت قرار خواهد گرفت. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۰/۱۱/۱۸)

از دید اصول‌گرایان این گفتمان، نظم و سامان بین‌المللی کنونی، ناعادلانه و نامشروع است. پس، برجسته‌ترین رسالت جمهوری اسلامی تلاش برای برپایی یک ساختار نوین جهانی بر پایه عدالت و احترام متقابل است و در این راه، به هیچ عنوان در برابر قدرت‌ها کوتاه نخواهد آمد. (Rezaei, 2007: 302-303) رهبر جمهوری اسلامی یکی از برجسته‌ترین اولویت‌ها و آرمان‌های سیاست خارجی دولت را «مبارزه با نظام

تک‌قطبی و امپراتوری نظام سلطه جهانی» اعلام داشته است. به باور این گفتمان، ساختار نظام بین‌الملل استوار بر زور و ستم و بر ایند الزامات و بایستگی‌های پس از جنگ جهانی دوم است و در شرایط کنونی، گویا و کارا نیست. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷) در این دنیای استوار بر سلطه و ستم، تنها چاره مقاومت و ایستادگی است، ایستادگی پویا که بیش از هر چیز بر دوش ملت‌ها، به ویژه نخبگان آنها، می‌باشد:

- منشأ این (ستم‌ها) کجاست؟ منشأ، نظام سلطه است؛ منشأ، وجود دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. همچنان که اگر سلطه‌گر وجود نداشته باشد، نظام سلطه از بین خواهد رفت، اگر سلطه‌پذیر هم سلطه‌دشمن و سلطه‌گر را نپذیرد، باز این نظام به هم خواهد خورد. اینجاست که تکلیف تکلیفِ ملت‌هاست؛ در میان ملت‌ها هم، تکلیف، تکلیفِ نخبگان است نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۳/۲۹).

- [البته، این کار امری آسان نیست، چرا که] شیطان‌های وابسته به دستگاه‌های استکبار وقتی در هر گوشه‌ای از دنیا یک حرکت بزرگ و آزادی‌بخش از سوی مردم - که خالص است، ناب است - مشاهده می‌کنند، تمام نیروشان را متمرکز می‌کنند که آن حرکت را تبدیل کنند به ضد خود یا از خاصیت بیندازند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۳/۲۹)

۲-۱. بلوک ضدنظام سلطه به رهبری جمهوری اسلامی ایران

رکن نخست گفتمان سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای را تعامل و کناکش با کشورهای غیر از بلوک سلطه بر اساس اصل احترام متقابل می‌سازد. بر این پایه، در برابر کشورهای سلطه‌گر، که به عنوان دیگر این گفتمان، سویه خصومت‌سازی است، کشورهای آزادی‌خواه، مستقل و غیرمتعهد مخاطبان تعامل‌گرایی جمهوری اسلامی هستند. در این خوانش، «سیاست جمهوری اسلامی ایران از ابتدا بر مخالفت با نظام سلطه استوار شده است ... کشورهایایی که می‌خواهند زیر سلطه نباشند و نخواهند سلطه‌گری کنند با هر نژاد و زبانی دوست ما هستند.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۸/۱۱/۱) «در همین راستا،

جمهوری اسلامی ارتباط با کشورهای هم‌سود در هر نقطه از جهان و هواداری از جنبش‌های آزادی‌خواه و استقلال‌طلب را، حتی آنهایی که الزاماً اسلامی نیستند، در کانون توجه خود قرار می‌دهد.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۲/۱/۲۱)

این موضوع، در حقیقت، به مثابه رویاروی با نظام سلطه و پیوستگی با جبهه ضد استبداد، خوانش پذیر است:

سلطه‌پذیری به معنای تسلیم شدن و تشویق کردن سلطه‌گران است... از لحاظ اخلاقی، سلطه‌گری و استثمار یک کشور و تسلط ظالمانه بر یک کشور، تحقیر ملت‌ها و سلب هویت آنهاست... از لحاظ سیاسی، سلطه‌گری یعنی سرنوشت یک ملت را در دست گرفتن... از لحاظ اقتصادی هم سلطه‌گری یعنی غارت منابع یک کشور یا معطل گذاشتن منابع یک کشور (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۷/۱/۱)

بر همین پایه، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با هدف یاری‌رسانی به کشورها و برای رهایی از بند نظام سلطه سامان یافته است. یکی از ابزارهای این امر، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و ارتباط با ملت‌ها به جای دولت‌هاست. دیپلماسی عمومی فرایندی است که از راه آن، دولتی ارتباطات و روابط مستقیم با مردم کشوری دیگر برقرار می‌کند تا منافع ملی را توسعه دهد و ارزش‌های خود را در آن جامعه گسترش دهد. دیپلماسی عمومی فرایند ارتباط یک کشور با عامه مردم کشورهای دیگر، برای شناساندن ایده‌های خود و شناخت ایده‌های آنها و آرمان‌های ملی، معرفی نهادها، فرهنگ و هنجارها و تبیین اهداف و سیاست‌های خود است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۷۶)

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هواداری از جنبش‌های آزادی‌خواه و اسلامی - که در زمره جوامع هدف و زنجیره هم‌ارزی گفتمان تعامل‌گرایی قرار دارند - از مشخصه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. پشتیبانی و دفاع از حقوق مسلمانان در چند سطح عملی می‌شود: نخست، در سطح امت و جهان اسلام به صورت پشتیبانی از نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش اسلامی نمود می‌یابد، مانند حمایت از حزب‌الله لبنان و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق. دوم، پشتیبانی و دفاع از مسلمانانی که در حال مبارزه برای احقاق حقوق خود هستند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۵)

[در این روایت،] انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود... انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خط‌کشی باطل و این نظام غلط [سلطه] را درهم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است... با سلطه‌گری مخالف است اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است.

(سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۷/۱/۱)

بیداری اسلامی امری در این زمینه و بهره‌گرفته از روایت ویژه انقلاب اسلامی ایران از اسلام و آزادی‌خواهی است و هواداری از آن باید از اصول سیاست خارجی ایران باشد:

- بیداری اسلامی یک حقیقتی است که اتفاق افتاده است... هسته بیداری یقظه اسلامی رشد کرده، ثبت شده است و دارد خود را نشان می‌دهد. مردم دنیای اسلام امروز احساس می‌کنند که وسیله عزت‌شان، وسیله سربلندی‌شان، وسیله استقلال‌شان، اسلام است. به برکت اسلام، همه آرزوهای ملی یک ملت در دنیای اسلام می‌تواند برآورده شود. ملت‌های اسلامی به برکت اسلام می‌توانند در مقابل تسلط غرب، در مقابل تکبر دولت‌های غربی، در مقابل سلطه ظالمانه دولت‌های غربی، در مقابل استثمار و استکبار دولت‌های غربی بایستند و غرب مجبور به

عقب‌نشینی است. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۱۱/۱۰)

- امروز دیگر تسلط بر ملت‌های مسلمان به آسانی بعد از جنگ اول جهانی و در دوران‌های طولانی قرن نوزدهم و بیستم میلادی نیست... در بعضی از کشورها هم این بیداری به انقلاب تبدیل شد و رژیم‌های فاسد و وابسته را تغییر داد. لیکن این بخشی از بیداری اسلامی است... دشمنان از کلمه بیداری اسلامی می‌ترسند؛ سعی می‌کنند عنوان بیداری اسلامی برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قواره واقعی خود، بروز و ظهور پیدا می‌کند، تن اینها می‌لرزد. اینها از اسلام برده دلار، نمی‌ترسند، از اسلام غرق در فساد و اشرافی‌گری نمی‌ترسند، از اسم اسلامی که امتداد و انتهای در عمل و در توده مردم نداشته باشد،

نمی‌ترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حُسن ظن به وعد الهی که فرمود: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» [(حج: ۴۰)]، می‌ترسند. وقتی اسم این اسلام می‌آید، نشانی از این اسلام پیدا می‌شود، مستکبرین عالم به خودشان می‌لرزند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۹/۲۱).

از دید آیت‌الله خامنه‌ای، با این زاویه انتقادی و اصلاح‌گرایانه، که از روحیه‌ای انقلابی و براندازانه نسبت به نظام سلطه بین‌المللی حکایت دارد، طبیعی است که جمهوری اسلامی کانون حمله قرار گیرد. با این حال، ایدئولوژی انقلاب اسلامی نمود یافته در سیاست خارجی، اندیشه‌فرآگیری است و به ویژه در جهان اسلام و در میان ملل آزادی‌خواه با شتاب، مورد پذیرش قرار خواهد گرفت:

داعیه ما در دنیای امروز داعیه کوچکی نیست، داعیه بزرگی است. نمی‌تواند تبلیغات خارجی تو سر جنس ما بزند. مامی دانیم چه می‌خواهیم و چه داریم؛ ارزش‌اش را می‌دانیم. داعیه ما آن چنان داعیه‌ای است که امروز در دنیای اسلام، در هر کشوری از کشورهای اسلامی - چه در آفریقا، چه در آسیا - و در هر نقطه‌ای این داعیه‌ها و این شعارها مطرح بشود، اکثریت قاطع مردم با آن همراهی خواهند کرد... این آرمان چیست؟ این آرمان ضدیت با نظام سلطه است... سلطه‌گران غلط می‌کنند که بر دنیای غیرکشور خودشان می‌خواهند سلطه پیدا کنند و دولت‌های سلطه‌پذیر که زورگویی آن سلطه‌گران را قبول می‌کنند، بیجای می‌کنند که علی‌رغم میل ملت‌های خودشان تسلیم آن سلطه‌گرها می‌شوند؛ این حرف ماست. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۶/۲/۲۷)

۲-۲. نظام سلطه به رهبری ایالات متحده آمریکا

دیگری و غیریت برجسته گفتمان تعامل‌گرایی ضدسلطه غرب با کانونی بودن آمریکا و اسرائیل همراه است. این دیگرسازی، در کنار دیدگاه ایجابی پیش‌گفته، منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی گفتمان تعامل‌گرایی ضدنظام سلطه را در پهنه سیاست خارجی هویدا می‌سازد. «امروز، مظهر این دشمنی [و سلطه] عبارت است از شبکه صهیونیسم جهانی و

دولت کنونی ایالات متحده آمریکا» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱/۱/۱۳۸۶) آیت‌الله خامنه‌ای در محکوم کردن سیاست‌های آمریکا، به‌ویژه فرایند صلح خاورمیانه، صدای رسایی داشته است. (Rizvi, 2012: 119) ایشان ایران را به‌عنوان راهنمای جهان اسلام در پایداری در برابر فشارهای نظامی و فرهنگی آمریکا در آورده است. آیت‌الله خامنه‌ای ایران را تنها قدرتی می‌داند که می‌تواند و می‌خواهد در سیاست خارجی برای اصول (ارزش‌های معنوی) خود ایستادگی کند و با تهدید چندجانبه ایالات متحده رویارویی نماید.

علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی... این است که جمهوری اسلامی یک نفی با خود دارد، یک اثبات. نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله قدرت‌های سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرت‌های مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی، اباحی‌گری؛ اینها را جمهوری اسلامی [به صورت] قاطع نفی می‌کند. یک چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش... اینها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری می‌کند. این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه صهیونیستی دنیا است. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۲۴/۹/۱۳۸۷)

- این جمهوری اسلامی، امروز، در مقابل نظام سلطه جهانی ایستاده است. به تعبیر سیاست‌مدارها، اپوزیسیون نظام سلطه جهانی، امروز، جمهوری اسلامی است... لذا، همه فراعنه علیه ما ائتلاف کرده‌اند. شما ببینید که در دنیا کدام یک از فراعنه بزرگ و کوچک و از شیاطین قدونیم‌قد بودند که با جمهوری اسلامی مخالفت و معارضه نکردند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۳۱/۶/۱۳۸۳)

رهبر جمهوری اسلامی، سیاست خارجی آمریکا را، به‌ویژه در خاورمیانه، استوار بر تبعیض و بهره‌برداری هدف‌دار از نشانه‌هایی چون دموکراسی و حقوق بشر می‌داند: امروز، مظهر نظام سلطه، امریکا است... معنای نظام سلطه، آن است که اگر رژیم آمریکا

برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافع‌ی فرض کرد، حق دارد در آن نقطه حضور قدرتمندانه نظامی پیدا کند و هر کسی را که با منافعش مخالفت کند بکوبد... به منطقه خاورمیانه نگاه کنید! دولت‌هایی که مورد قبول و اعتراف سلطه‌گران آمریکایی‌اند، چگونه دولت‌هایی هستند؟ آیا از لحاظ فکری، سیاسی، حقوق بشر و دموکراسی رشد کرده‌اند؟ اصلاً معنای دموکراسی را می‌فهمند؟... این موضوعات برای مسئولین کشور سلطه‌گر - یعنی آمریکا - اهمیتی ندارد. مهم این است که این کشورها تسلیم آن سلطه‌گرد و همین کافی است، اما اگر کشور، جمعیت و سازمانی، با هر ملیت و خصوصیتی، تسلیم سلطه‌گر نشد، در هر کجای دنیا باشد، در خور آن است که ضربه بخورد و مورد حمله قرار گیرد. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۷۴/۸/۱۰)

دیدگاه رهبری در مسائل بین‌المللی به صورت چشمگیری اجتناب‌کننده از خطر است که نه رویارویی هیجان‌زده و نه سازش را ترجیح می‌دهد. به علاوه، وی فعالیت‌های ایالات متحده را پیش‌زمینه‌ای برای فرسایش مبنای انقلابی جمهوری از راه انحلال تدریجی یا تغییرات دموکراتیک ناگهانی که با جامعه مدنی برانگیخته می‌شوند، می‌داند. ایشان در سخنانش اظهار داشته است که اهداف آمریکا به سمت برقراری دوباره رابطه ارباب-رعیتی است که در دوران حکومت شاه وجود داشت. (Alnahas, 2007: 225; Green, 2009: 8-9)

ایستادگی در برابر آمریکا رویارویی با محور سلطه در دنیای پس از جنگ سرد است. این موضوع یکی از کیان‌های سیاست خارجی ایران و کشورهای هم‌سود در جبهه ضدامپریالیسم و ضد سلطه را می‌سازد و مرزهای خودی و غیر خودی را در آن می‌نمایاند. این موضوع مرزبندی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه و جهان را سازمان می‌دهد:

آمریکایی‌ها می‌خواهند خوب زندگی کنند، بکنند؛ هر ملتی حق دارد در سایه تلاش خودش، خوب زندگی کند، اما در داخل کشور خودشان خوب زندگی کنند. خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، بقیه بخش‌های دنیا، تنگه‌های حساس دنیا، مال امریکانیست؛ اینها مال صاحبانش است. ملت‌ها صاحبان کشورهای خودند. این قرن

باید قرن بازگشت ملت‌ها به هویت خود، به انسانیت خود، و شکستن طلسم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری باشد، هم‌چنانی که این قرن، قرن رو کردن به معنویت است... این هزاره، هزاره معرفت انسان به ارزش خودش است. در این هزاره، انسان‌ها به ارزش خودشان و ارزش نزدیک شدن به خدای خودشان واقف می‌شوند... قرن رو کردن به معنویت و قرن استقلال و هویت ملی ملت‌هاست و ایران سرآغاز آن بود. دنباله ایران، بسیاری جاهای دیگر پیش خواهد آمد و قدرت‌هایی که با این حرکت عظیم بشری مواجه و سینه به سینه بشوند شکست خواهند خورد و قدرت استکباری یکی از اینهاست. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۵/۸/۱۷)

۲-۳. مسئله فلسطین و رویارویی بلوک ضد نظام سلطه با نظام سلطه

یکی از مسائل بسیار مهم در سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای، که در ارتباط رویکرد تعاملی ضد نظام سلطه خوانش پذیر است، مسئله فلسطین و دیگر سازی با رژیم صهیونیستی است. این موضوع هم در سایه انترناسیونالیسم (امت واحده اسلامی) دیده می‌شود و هم در راستای برآوردن منافع ملی کشور. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را در سخنان ایشان می‌توان جست:

- مسئله فلسطین مسئله ماست، مسئله اسلامی ماست؛ مسئله همه مسلمین است

و [اهتمام به آن] وظیفه ماست. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۸/۱۲/۸)

- رژیم صهیونیستی که با به راه انداختن جنگ‌های فاجعه‌بار و کشتار مردم و اشغال سرزمین‌های عربی و سازماندهی تروریسم دولتی در منطقه و جهان ده‌ها سال ترور و جنگ و شرارت به راه انداخته، ملت فلسطین را که برای احقاق حق خود به پا خاسته و مبارزه می‌کنند، تروریست می‌نامد و شبکه رسانه‌های متعلق به صهیونیسم و بسیاری از رسانه‌های غربی و مزدور نیز، با زیر پا گذاشتن تعهد اخلاقی و رسانه‌ای، این دروغ بزرگ را تکرار می‌کنند... همه راه‌هایی که غربی‌ها و وابستگان آنها برای حل مسئله فلسطین پیشنهاد کرده و پیموده‌اند، غلط و ناموفق بوده است و در آینده نیز چنین خواهد بود. ما راه حلی عادلانه و کاملاً دموکراتیک را پیشنهاد

کرده ایم: همه فلسطینی‌ها، چه ساکنان کنونی آن و چه کسانی که به کشورهای دیگر رانده شده و هویت فلسطینی خود را حفظ کرده‌اند، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی، در یک همه‌پرسی عمومی با نظارتی دقیق و اطمینان بخش شرکت کنند و ساختار نظام سیاسی این کشور را انتخاب نمایند و همه فلسطینیانی که سال‌ها رنج آوارگی را تحمل کرده‌اند به کشور خود بازگردند و در این همه‌پرسی، و سپس، تدوین قانون اساسی و انتخابات شرکت نمایند. آنگاه، صلح برقرار خواهد شد. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۶/۹)

- ما نه جنگ کلاسیک ارتش‌های کشورهای اسلامی را پیشنهاد می‌کنیم و نه به دریا ریختن یهودیان مهاجر را و نه البته حکمیت سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین‌المللی را؛ ما همه‌پرسی از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز، مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند... مهم‌ترین رکن حمایت از ملت فلسطین قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است، و این وظیفه بزرگ دولت‌های اسلامی است. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۰/۷/۹)

- نجات فلسطین با در یوزگی از سازمان ملل یا از قدرت‌های مسلط و به طریق اولی از رژیم غاصب به دست نمی‌آید؛ راه نجات فقط ایستادگی و مقاومت است. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۷/۱۲/۱۴)

بر پایه این منطق، خط کلی سیاست خارجی در راستای مبارزه با رژیم غاصب باید این باشد:

الف. زندانی کردن رژیم غاصب در درون مرزهای سرزمین اشغالی و تنگ کردن فضای تنفس اقتصادی و سیاسی آن و گسستن پیوندهای آن با محیط پیرامونش

ب. تداوم بخشیدن به مقاومت و مبارزه ملت فلسطین در داخل کشورشان و رساندن هرگونه کمکی که به آن نیاز دارند، تا تحقق پیروزی نهایی (سخنرانی مقام معظم رهبری در

(Green, 2009: 89: ۱۳۸۰/۲/۴)

در همین راستا، این سیاست خارجی با هرگونه طرح یک‌جانبه که هدف آن ساختن «خاورمیانه‌ای با پایتختی اسرائیل» است نیز مخالفت می‌شود:

چندی است که صهیونیست‌های حاکم بر فلسطین، تزی را به نام تز خاورمیانه جدید مطرح کرده‌اند. خاورمیانه جدید یعنی چه؟ یعنی خاورمیانه بر محور کشور اسرائیل شکل بگیرد و اسرائیل، به تدریج، بر کشورهای عربی و کشورهای منطقه و مناطق نفتی در خلیج فارس سیطره اقتصادی داشته باشد (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۰/۱۰/۱۳۷۸)

۳. مطالعه موردی؛ سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای در برنامه هسته‌ای ایران

در یک دید کلان، چهار موضوع را می‌توان از موارد اصلی پیش‌روی سیاست خارجی ایران در گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه دانست؛ (Sadjadpour, 2010: 13-14)

نخست، سامانه غرب با محوریت آمریکا؛ از دید این گفتمان، ایستادگی در برابر آمریکا و اسرائیل - که دوروی یک سکه‌اند - از اولویت‌های اصلی جمهوری اسلامی است.

دوم، فرایند موسوم به صلح در خاورمیانه؛ سوم مسئله جهان اسلام و پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش و

چهارم، برنامه هسته‌ای ایران. آیت‌الله خامنه‌ای، جدا از سودمندی‌های عینی فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بدان سبب به این موضوع اهمیت می‌دهد که به همگان اطمینان دهد که ایران هم از لحاظ علمی و هم فناوری تا اندازه‌ای پیشرفته است که می‌تواند خودکفا شود، و آنچنان خودبسنده است که می‌تواند از نظر اقتصادی مستقل شود و این استقلال اقتصادی برای داشتن استقلال سیاسی کافی است. رهبر جمهوری اسلامی سیاست خارجی ایران را بر مبنای «مقاومت» در برابر «امپریالیسم» آمریکا از راه خاورمیانه قرار داده است. (Solingen, 2012: 223)

از دیدگاه ایشان، برنامه هسته‌ای در بردارنده موضوع مرکزی انقلاب است، یعنی جدال برای استقلال، اعتراض به نابرابری قدرت‌های خارجی، لزوم خودکفایی و اعتبار بالای اسلام برای داشتن دانش (Sadjadpour, 2009: 22) در این برداشت، مسئله هسته‌ای «توانست به این ملت عزت نفس بدهد.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۲/۳/۱۳۹۰)

بر پایه سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴، نگاه منطقه‌ای به سیاست خارجی برجسته‌تر شده است. مفهوم قدرت برتر منطقه‌ای بر این دو هدف است: ۱. فراچنگ‌آوری جایگاه برتر

علمی، فناوری و اقتصادی؛ ۲. تعامل سازنده و مؤثر در روابط خارجی. بر پایه این سند، جمهوری اسلامی باید الهام‌بخش و فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، و اثرگذار بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای بر پایه تعالیم و اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی باشد. (جوادی ارجمند، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۸) از دید رهبر انقلاب، پایداری و ایستادگی در پرونده هسته‌ای، بستری برای این موضوع است.

در دیدگاه ایشان: «سیاست ما در مورد مسئله هسته‌ای سیاست روشنی است: پیشرفت، پافشاری بر حق ملت ایران بدون عقب‌نشینی. البته، با منطق روشنی که داریم. هدف هم هدف انسانی و روشن است.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۵/۷/۱۸) این موضوعی است که همسو با منافع ملی کشور تفسیر شده است:

در تبلیغات، سعی کردند و می‌کنند که وانمود کنند این یک کار صرفاً آیدئولوژیک است، یعنی به منافع ملت و منافع کشور ارتباط ندارد، در حالی که کار شما یک کاری است که مستقیماً به منافع ملی ارتباط دارد. کار انرژی هسته‌ای این است؛ مستقیماً به منافع ملی ارتباط پیدا می‌کند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۰/۱۲/۳) آیت‌الله خامنه‌ای، ضمن اشاره به بهانه‌جویی‌های کشورهای غربی، خاطر نشان می‌سازند:

جنگالی که راه می‌اندازند، با هدف این است که ما را متوقف کنند. می‌دانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم... واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفه ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف می‌دانیم و این حرکت را حرکت خلافی می‌دانیم... ما می‌خواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته‌ای قدرت‌آفرین نیست، به دلیل اینکه قدرت‌هایی که سلاح هسته‌ای دارند، امروز، دارای سخت‌ترین مشکلات‌اند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۰/۱۲/۳)

یکی از رسالت‌های متصور در این گفتمان، الهام‌بخشی و پیشتازی ایران در آگاه کردن جهان سوم، به ویژه کشورهای اسلامی، به ضرورت رویارویی با نظام سلطه است.

الهام‌بخشی و الگوپردازی برای جهان سوم در چارچوب سه‌الگوی کلی دولت ضد استبداد، دولت توسعه‌یافته و مردم‌سالاری دینی تجلی یافته است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۵۶) در واقع، پرونده‌ی هسته‌ای نمایش هر سه از این موارد در کنار یکدیگر است. جمهوری اسلامی ایران، ام‌القرای جهان اسلام و رهبر جبهه‌ی مبارزه با امپریالیسم است که، از راه ماجرای هسته‌ای، سه هدف حیاتی را دنبال خواهد کرد: ۱. حفظ ماهیت اسلامی رژیم و موقعیت آن در جهان اسلام؛ ۲. حفاظت و دفاع از امنیت کشور و ۳. گسترش جمهوری اسلامی (از غندی، ۱۳۸۱: ۳۶)

از دید گفتمان ضد سلطه، این امر زمینه‌ساز قطع وابستگی است:

اگر انرژی هسته‌ای موجب وابستگی بیشتر یک ملت به خودش شود، آن را برای آن ملت مجاز می‌دانند. آنها با آن انرژی هسته‌ای مخالفانند که یک ملت با ابتکار خود، به دست خود، بدون نیاز به آنها، با استقلال کامل به دست آورده است... همین انرژی هسته‌ای برای دیگر ملت‌ها که دولت‌های مستکبر به آنها می‌دهند، موجب وابستگی است، اما برای ملت ایران که خود از درون می‌جوشد، ابتکار می‌کند، نوآوری می‌کند، خودش خلاقیت تولید می‌کند، موجب قطع وابستگی است. استکبار جهانی و دشمنان ملت ایران با این دشمن‌اند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۷/۳/۱۴)

هنگامی که برنامه‌ی هسته‌ای ایران رسانه‌ای شد، اهمیت دانش و فناوری نیز در سخنان رهبری، متداول‌تر گردید. ایشان چیرگی بر عدم پیشرفت بسنده‌ی علمی ایران را مهم‌ترین اولویت کشور دانست. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در رویارویی با این نظام سلطه، باید با ابزار دانش و علم به میدان آمد. سیاست خارجی کشور باید به گونه‌ای باشد که بسترهای مورد نیاز برای انقلاب علمی را فراهم آورد و در درون نیز، نخبگان باید به دانش‌افزایی بپردازند: «امروز، نظام سلطه در دنیا... بنایش بر گرفتن حداکثری و دادن حداقلی است... اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملت‌های شان و استعداد ملت‌های شان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده‌ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد علم است.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۸۶/۴/۲۵)

رهبر جمهوری اسلامی در بازشناسی بیشتر این گفتار خاطر نشان می‌سازد:

عمده موضوع‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر در نظام سلطه جهانی برای حفظ این رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر رویش تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه فرهنگی، سلطه اقتصادی، سلطه علمی. لازم‌آش هم این است که نگذارند آن طرف سلطه‌پذیر یا آن کسی که سلطه بر او تحمیل شده در این سه زمینه به استقلال و به خودباوری و به پیشرفت برسد، نه در زمینه مسائل فرهنگی شامل ایمان و اعتقاد و فرهنگی به معنای خاص، ارزش‌ها و هدف‌ها و جهت‌گیری‌ها، نه در زمینه اقتصادی، و نه در زمینه علمی. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱/۴/۱۳۸۳)

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای ارتباطی نسبی میان پیشرفت علمی، خودبستگی و استقلال سیاسی وجود دارد و ایالات متحده مخالف پیشرفت علمی - به ویژه هسته‌ای - ایران است. (Green, 2009: 92)

- می‌بینید درباره توانایی فنی و علمی ملت ایران، دستگاه سلطه و استکبار چه جنجال و سراسیمگی از خود نشان می‌دهد. این هیاهویی که بر سر مسئله هسته‌ای راه انداخته‌اند از روی سراسیمگی است، دستپاچه‌اند. دستگاه سلطه نمی‌خواهد، نمی‌پسندد که غیر از محدوده خودشان، قدرت فناوری و قدرت علمی - آن‌هم به صورت مستقل و ناوابسته - در اختیار ملت‌ها قرار بگیرد. حالا که می‌بینند یک ملت بدون تکیه به آنها توانسته است یک فناوری فاخر علمی را به دست بیاورد ناراحت‌اند ... مسئله سلاح اتمی نیست، مسئله استقلال یک ملت است. آنها مجامع جهانی را هم زیر نفوذ خودشان می‌گیرند و مجامع جهانی، یکی پس از دیگری، آبروی خودشان را بر اثر نفوذ آنها از دست می‌دهند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۸/۱۱/۱۳۸۴)

- آنچه امروز جنجال آمریکایی‌ها علیه ایران را به وجود آورده و اینها را دستپاچه کرده این است که اینها دارند می‌بینند که ایران نیروگاه هسته‌ای را به وجود آورده و می‌تواند برق هسته‌ای تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می‌کند. این اولین نقطه نگرانی اینهاست ... نقطه دوم نگرانی آنها این است که

از این ناراحت‌اند که این دانش در داخل رشد کرده و روییده است، یعنی در واقع بومی است. البته، این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه آنها نرفتیم... آنها می‌دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمان‌ها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحت‌اند؛ لذا جنجال می‌کنند. (سخنرانی مقام معظم رهبری در ۱۳۹۱/۸/۱۰)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای، بر نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری استوار است. در این برداشت، دنیا همواره دو بخش داشته است: نخست، کمینه‌ای که به دنبال اعمال هژمونی و چپاول ملت‌ها و جوامع دیگر بوده‌اند و، دوم، بیشینه‌ای که تحت سلطه آنها به سر برده‌اند. تاریخ جهان تاریخ برخورد و ارتباط میان این دو سویه بوده است، تاریخ سلطه‌گرانی که در پی تاراج منابع و اندیشه دیگر ملت‌ها بوده‌اند و ملت‌هایی که اغلب این سلطه را پذیرفته‌اند. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، اندک کشورهایی در درازنای تاریخ با این روند به رویارویی پرداخته و آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند. جمهوری اسلامی یکی از این اندک کشورها و، البته، برجسته‌ترین آنهاست. آیت‌الله خامنه‌ای در معنابخشی به اندیشه جمهوری اسلامی در این آورد، آن را در چارچوب گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه سازمان می‌دهد. تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه، نشانه مرکزی گفتمان سیاست خارجی رهبر جمهوری اسلامی است که دیگر نشانه‌ها در سایه آن معنا می‌یابد.

گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه دارای دو حوزه به هم پیوسته می‌باشد: نخست، رویکرد سلبی نبرد با نظام سلطه چیره در پهنه بین‌المللی و دوم رویکرد ایجابی همبستگی با کشورهای آزادی‌خواه، به ویژه کشورهای اسلامی، برای ساختن جبهه‌ای در برابر امپال امپریالیستی نظام سلطه. این رویکرد بستر هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌ها در

سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌باشد. ائتلاف‌ها، پیوستگی‌ها و حاشیه‌رانی‌ها و خصومت‌سازی‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به همین موضوع صورت می‌پذیرد. جمهوری اسلامی، برای خود نقش پیشرو و قایل است و خود را حرکتی می‌داند که سرانجام آن، نابودی سلطه‌گران و مستبدان، برچیده شدن نظام تبعیض و برتری‌جویی و پیروزی ستم‌دیدگان است. هویت و دیگری در نظام جمهوری اسلامی در سایه همین دو وجهی، فهم پذیر است.

گفتمان تعامل‌گرای ضد نظام سلطه بر ایندهای عملی فراوانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی داشته است. برجسته‌ترین بر ایند آن دوری از نظام غرب، به نمایندگی آمریکا، و نزدیکی به بلوک کشورهای منتقد ساختار کنونی بوده است. در این برداشت، آمریکا شر مطلق و شیطان بزرگ است که رابطه با آن به مثابه رابطه‌ای ارباب-رعیتی است. جای جای جهان زخم‌هایی از برتری‌جویی آمریکا را بر تن دارد. خاورمیانه در این زمینه جایگاهی ویژه دارد. اسرائیل وابسته بزرگ این کشور است که با پشتیبانی‌های آمریکا سال‌هاست فلسطینیان را زیر ستم گرفته است. فرایند صلح اعراب-اسرائیل و احقاق حقوق ملت فلسطین تحت تأثیر این زیاده‌خواهی‌ها و سویه‌داری‌های آمریکا تاکنون ناکام مانده، تا دگرگونی‌ای در آن پیش نیاید وضع موجود باقی خواهد ماند.

در گفتمان سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای، رویکرد آمریکا در خاورمیانه استوار بر تبعیض است؛ این کشور، از سویی، به بهانه نابودی تروریسم و آوردن دموکراسی و حقوق بشر به افغانستان و عراق یورش می‌آورد و از مخالفان ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان پشتیبانی می‌کند و، از سوی دیگر، از رژیم‌های عربی منطقه که نخستین بایستگی‌های حقوق بشر و دموکراسی را رعایت نمی‌کنند، جانبداری می‌کند. این موضوع به‌ویژه در تحولات اخیر بیداری اسلامی نمود فراوان یافت، موضوعی که نه تنها از سوی آمریکا که در گفتار و رفتار بلوک سلطه و غرب نمود یافته است.

در خوانش آیت‌الله خامنه‌ای، مسئله هسته‌ای نماد سلطه‌گری غرب، به سرکردگی آمریکا، در برابر ایران، به عنوان رهبر جنبش رویارویی با نظام سلطه، است. آمریکا با مسئله هسته‌ای مخالفت می‌کند، چراکه آن را توان‌یابی کشوری تفسیر می‌کند که اساس ایدئولوژی سلطه‌گرایانه آن را تهدید می‌کند. ایران برای نظام سلطه تهدید عینی و جدی است. بزرگ‌نمایی خطر دستیابی ایران به بمب و سلاح هسته‌ای تنها بهانه‌ای برای سرپوش‌گذاشتن بر ترس از پیشرفت علمی و دانش بنیان ایران است. در برابر، ایران مسئله دانش هسته‌ای خود را ذخیره و سرمایه برای همه جهان اسلام و بلوک ضد نظام سلطه معرفی می‌کند.

کتابنامه

- آفاکل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل انتقادی گفتمان*، تهران، علمی و فرهنگی.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، قومس.
- بخشایش اردستانی، احمد (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان در بازاندیشی اجتماعی» *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، ش ۱، ص ۶۴-۸۰.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جوادی‌ارجمند، محمدجعفر (۱۳۸۸). «سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست خارجی ج.ا.ا در دستیابی به قدرت برتر منطقه‌ای» *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، ش ۱، ص ۶۸-۸۲.
- دریفوس، هیوبرت (۱۳۸۴). *میشل فوکو فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۶). «گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، ش ۵، ص ۸۶-۱۰۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱). «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی»، *روابط خارجی*، ۴(۲) پیاپی، ش ۱۴، ص ۹۱-۱۱۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، سمت.
- سخنرانی‌های مختلف مقام معظم رهبری، قابل دسترسی از: khamenei.ir/speech

کسرایبی، محمدسالار و شیرازی، علی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۳۹، ش ۳، ص ۳۴۳-۳۵۵.
 لاکلاو، ارنستو (۱۳۷۷). «گفتمان»، *فصلنامه گفتمان*، پیش شماره، ص ۴۱-۵۴.

Alnahas, Ibrahim Mahmoud Yaseen (2007). *Continuity and Change in the Revolutionary Iran Foreign Policy The Role of International and Domestic Political Factors in Shaping the Iranian Foreign Policy*. Dissertation submitted to the Eberly College of Arts and Sciences at West Virginia University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Political Science Department of Political Science. Morgantown: West Virginia.

Fairclough, Norman (2002). *Language in New Capitalism*. *Discourse & Society* 13(2).

Fontana, Benedetto (2008). *Hegemony and Power in Gramsci*, in *Hegemony (Studies in Consensus and Coercion)* Edited By: Richard Howson and Kylie Smith. New York and London: Routledge.

Green, Jerrold (2009). *Understanding Iran*. Santa Monica: the RAND Corporation.

Grevan, Kate (2002). *Gramsci. Culture and Anthropology*. London: Pluto press.

Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (2001) *Hegemony and Socialist Strategy*. New york and London: Verso. Second Edition.

Majd, Hooman (2008). *the Ayatollah Begs to Differ: The Paradox of Modern Iran*. by Hooman Majd. Doubleday.

Marchart, Oliver (2007). *Post-Foundational Political Thought*. Edinburgh University Press Ltd.

Mouffe, Chantal (2000) *the Democratic Paradox*. VERSO. London. New York.

Murphy, John (2008). *Modern World Leaders; Ali Khamenei*. New York: infobas publishing.
<http://shodhganga.inflibnet.ac.in/handle/10603/2024>

Parameshwar Gaonkar, Dilip (2012). "the primacy of the political and the trope of the people in ernesto laclau's on populist reason". *Cultural Studies*. 26.

Povinelli, Elizabeth A. (2012). "beyond the names of the people". *Cultural Studies*. 26.

Rezaei, Hassan (2007). "The politics in post-revolution Iran: with special reference to Khatami's presidency". Thesis Submitted to the University of Pune. Pune For the Award of Doctor of Philosophy In Political Science.

Rizvi, Alam (2012). 'Velayat-e-Faqih (Supreme Leader) and Iranian Foreign Policy: An Historical Analysis, *Strategic Analysis*. Vol 36. No 1.

Sadjadpour, Karim (2010). "The Supreme Leader", from the book: *The Iran Primer: Power. Politics and U.S. Policy*. edited by Robin Wright. US Institute of Peace Press.

Solingen, Etel (۲۰۱۲). *Sanctions, Statecraft, and Nuclear Proliferation*. Cambridge: Cambridge University Press.